

نگاهی به زندگی فضل بن شاذان ازدی نیشابوری و آثار و عقاید وی

نویسنده‌گان:

علی چوبینه^۱

علی ابوعلی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۵

چکیده

شناختن رجال دینی و سیاسی هر مکتب یا کشور، نقش زیادی در پیشبرد اهداف آن مکتب یا انقلاب یا کشور دارد. مطالعه آثار متنوع و آشنایی با زندگی و افکار و عقاید عمیق این متفکران می‌تواند عاملی در هدایت مردم و روش‌نگری ناسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی گردد و بررسی و ژرفنگری در آراء و آثار این دانشمندان در حقیقت باز کردن دریچه‌ای برای بازاندیشی مسایل و پدیده‌های مختلف اجتماعی است؛ بنابراین هر نکته و نظریه‌ای که از اصالت و استحکام برخوردار باشد می‌تواند نقطه‌ی آغازی باشد برای اندیشیدن و دوباره اندیشیدن. با وجود همه درگیری‌ها و نزاع‌هایی که میان دولت‌های اسلامی در قرن سوم و چهارم وجود داشت، علم و دانش رشد خود را بی‌وقفه دنبال می‌کرد. چهره‌های برجسته‌ای از متفکران و اندیشمندان ایرانی اسلامی در پرتو حمایتی که امیران و بزرگان از آنها می‌کردند، توانستند گام‌های بلندی بردارند. در این میان چند شهر مهم، نقش اساسی و کلیدی داشتند. بغداد مهم‌ترین شهری بود که برای تمامی دنیا اسلام، مرکزیت داشت. قمرهای این شهر، شهرهای فراوانی بود که در دنیا اسلام، به ویژه ایران وجود داشت: ری، اصفهان، نیشابور همچنان در دنیا اسلام می‌درخشد. در این مقاله می‌کوشیم با روش توصیفی - تحلیلی پس از اشاره به زندگی و شخصیت و عقاید و... به بررسی اندیشه‌های این متفکر ایرانی اسلامی، شاذان بن فضل ازدی نیشابوری در قرن سوم پرداخته و در پی آنم تا به گوشه‌ای از اندیشه‌های اجتماعی متفکران ایرانی و ژرفنگری در آثار آنان بپردازم که می‌تواند به اسرار پیروزی‌ها و شکست‌های جامعه‌های پیشین دست یابد و از آن در جهت اصلاح حرکت‌های اجتماعی استفاده کرد و به امید این که حوزه‌های علمیه بتوانند صدھا فضل بن شاذان را که آشنای به زمان و مکان باشند، تربیت کرده و به جامعه عرضه کنند.

کلید واژه‌ها: فضل بن شاذان ازدی، متفکران ایرانی - اسلامی، نیشابور، قرن سوم

مقدمه

شناختن رجال دینی و سیاسی هر مکتب یا کشور، نقش زیادی در پیشبرد اهداف آن مکتب یا انقلاب یا کشور دارد. مطالعه آثار متنوع و آشنایی با زندگی و افکار و عقاید عمیق این متفکران می‌تواند عاملی در هدایت مردم و روش‌نگری

^۱. دانشجوی دکترای زبان و ادب فارسی literaturechobineh@gmail.com

^۲. دانشجوی دکترای ادبیات

نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی گردد و بررسی و ژرفنگری در آراء و آثار این دانشمندان در حقیقت باز کردن دریچه‌ای برای بازاندیشی مسایل و پدیده‌های مختلف اجتماعی است؛ بنابراین هر نکته و نظریه‌ای که از اصالت و استحکام برخوردار باشد می‌تواند نقطه‌ای آغازی باشد برای اندیشیدن و دوباره اندیشیدن.

اندیشه در اسلام پایگاهی بس ارجمند دارد، قرآن کریم انسان را به مطالعه و تبیین پدیده‌های عالم هستی فرا می‌خواند تا او را به تفکر و تعمق وا دارد. و این فراخوانی، انگیزه و زمینه پیدایی سنت فلسفی و عقل‌گرایی در جهان گردید و موجب آن شد تا اندیشمندان مسلمان را در عین ایمان و تسلیم به خدا، جهان را به دیده‌ی عقل و خرد بینگرند و از آن تفسیری عقلانی کنند. امروزه شناخت اندیشه‌ی متفکران از امور مهمی است که در حیطه‌های علمی به معنی اعم مطرح است و در جامعه‌ی مدرن، تفکر اجتماعی نقش حیاتی ایفا می‌کند و تمامی خط مشی‌های زندگی نوین متجلی و متأثر از اندیشه‌های اجتماعی است؛ بنابراین بررسی و تحلیل آرای اندیشمندان با پشتونه‌ی کتاب و سنت در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی رشد کرده و با افکار بدیع و اصیل خود موجب گسترش و توسعه‌ی تفکر و پژوهش گشته‌اند که مورد نیاز جامعه‌ی اسلامی است. اندیشمندان مسلمان، با الهام از تعالیم قرآن، احادیث و روایات به مطالعه طبیعت، تاریخ، جامعه و انسان و همچنین به بررسی مسایل اجتماعی جامعه اسلامی و دیگر جامعه‌ها پرداخته‌اند. اکثر علوم اسلامی به گونه‌های مختلف با شیوه اسلامی در ارتباط دارد و مظاهر و جلوه‌های مختلف زندگی اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. با گسترش تمدن اسلامی در قرن سوم و چهارم شاخه‌ها و شیوه‌های تازه‌ای در علوم اسلامی پیدا شد و این امر موجب تدوین نظریه‌ها و نگارش کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری توسط اندیشمندان مسلمان شد (زارع، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۷).

یکی از این متفکران شیعی مذهب، فضل بن شاذان ازدی نیشابوری است که چند تن از امامان معصوم (ع) را دریافته و از محضر آنها بهره جسته و تا حال حاضر تا حدودی ناشناخته مانده است و پژوهش قابل توجهی در این زمینه انجام نگرفته است.

در باب اهمیت اندیشمندان و متفکران اسلامی این سوال پیش می‌آید که نقش اینها در بهبود زندگی مسلمانان تاچه اندازه است؟ و بررسی و مطالعه زندگی و آثارشان تاچه در به کمال رساندن زندگی ما مسلمانان موثر است؟

در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سعی شده به معرفی این شخصیت، زندگی، آثار و عقاید و... وی و به بررسی افکار، عقاید و نظریات اندیشمندان اسلامی بپردازیم و از این منظر در اصلاح حرکت‌های اجتماعی از آنها استفاده نماییم و به امید این که حوزه‌های علمیه بتوانند صدها فضل بن شاذان را که آشنای به زمان و مکان باشند، تربیت کرده و به جامعه عرضه کنند.

۱. زندگی‌نامه فضل بن شاذان ازدی نیشابوری

۱.۱. نسب وی

ابو محمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری، یکی از دانشمندان و متفکرین بزرگ و گرانقدر شیعه و از ثقات محدثین در اواسط قرن سوم هجری است که در منابع مختلف معتبر به عنوان فقیه و متکلمی بزرگ و برجسته معرفی شده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۰۷).

پدرش، شاذان بن خلیل نیز از ثقات و اکابر محدثین شیعه و از یاران امام جواد(ع) است و او را از مصحابان یونس بن عبد الرحمن نیز بر شمرده‌اند (خوبی، بی‌تا، ص ۹).

۱.۲. شخصیت وی

در فاصله دوران کودکی تا کمال فضل، حوادث و وقایع تاریخی، ادبی و دینی زیادی روی داده است که هر کدام به نحوی در تربیت، شخصیت و آثار وی مؤثر بوده‌اند. او در محیطی می‌زیست که مرکز روحانیت و علوم و فنون مختلف بود؛ در زمان او شیعه از سوی دولت عباسی تحت فشار و مراقبت شدیدی قرار داشت. با وجود این، فضل بن شاذان پس از سفر به شهرهای مختلف برای تحصیل علومی چون حدیث، فقه و کلام از استادان بزرگ هر فن، به سرزمین خود نیشابور بازگشت و در آنجا به تألیف، تصنیف و ترویج مکتب اهل بیت(ع) پرداخت (دوانی، بی‌تا، ص ۷۲۱).

آیت الله خوبی در معجم رجال الحدیث ثقه بون وی را ثابت کرده‌اند (خوبی، بی‌تا، ص ۱۰۱).

۱.۳. تحصیلات و استادان وی

بعلت سفرهای متعددی که فضل به بلاد مختلف اسلامی داشته است و مصاحبت با بسیاری از افضل شیعه و علمای هم‌عصرش، از محضر تعداد کثیری از آن‌ها بهره برده و نقل روایت کرده است. در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود که از آن جمله‌اند: محمد بن ابی عمری، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال، محمد بن اسماعیل بزیع، محمد بن حسن واسطی، اسماعیل بن سهل، شاذان بن خلیل (پدر فضل)، ابو داود مسترق، عمار بن مبارک، عثمان بن عیسی، فضاله بن ایوب، علی بن حکم، ابراهیم بن عاصم، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، قاسم بن عروه و عبد الرحمن بن ابی نجران (طوسی، بی‌تا، ص ۱۲۸).

او مدتی پس از وفات هارون عباسی (۱۹۳ق) به همراه پدرش به بغداد آمد و در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، در قطیعه الربيع بغداد نزد یکی از مقریان به نام اسماعیل بن عباد به آموختن قرآن پرداخت (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۹، ۲۰۳).

ابن شاذان در بغداد از مشایخی چون محمد بن ابی عمر (۲۱۷ ق) بهره برد و با حسن بن علی بن فضال آشنا گردید (ابن بابویه، ۱۴۹، ۱۳۸۷) ابن شاذان سپس به کوفه رفت و در آنجا از مشایخی چون حسن بن محبوب، احمد بن محمد بن ابی نصر، صفوان بن یحیی و نصر بن مزاحم منقری بهره جست (ابن بابویه، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰).

۱.۴. شاگردان وی

در مقابل، تعداد بسیاری از بزرگان محدثان و علمای نیمه دوم قرن سوم هجری نیز از شاگردان فضل هستند که از آن جمله‌اند: علی بن شاذان و محمد بن شاذان (از برادران فضل که از وی استماع حدیث کرده‌اند)، ابو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان (برادرزاده‌ی فضل و از مشایخ شیخ صدوق)، محمد بن احمد بن نعیم بن شاذان - نوه برادرش، مشهور به ابو عبد الله شاذانی - (تهرانی، ۱۳۸۰، علی بن محمد بن قتبیه نیشابوری - که کشی در رجال خود به او اعتماد کرده است - (همان، ص ۱۵)، سهل بن بحر فارسی، عباس بن مغیره، حامد بن محمد ازدی بوشنجی ملقب به خواراء، عبد الله بن بیهقی - پدر حاکم نیشابوری - و ابو علی احمد بن یعقوب بیهقی که بر جنازه فضل نماز گزارد (دونی، بی‌تا، ص ۱۶۱).

۱.۵. تبعید از نیشابور

ابن شاذان پس از چندی از عراق به نیشابور بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در زمان حکومت عبدالله بن طاهر بر خراسان (۲۱۴- ۲۳۰ ق) به جهت تشیع مورد تفتیش عقاید قرار گرفت و از نیشابور تبعید شد (همان، ص ۱۶۱). یک روایت نیز از حضور او در بیهق در اواخر عمر گزارش می‌دهد (ابن شاذان، ۱۴۰۹، ۱۳۱).

۱.۶. وفات

ابن شاذان سرانجام در اواخر ۲۵۹ ق در بستر بیماری افتاد و پس از بھرگیری شایان از محضر چهار امام معصوم و بعد از سال‌ها مبارزه‌ی علمی، فرهنگی و سیاسی سرانجام در سال ۲۶۰ هجری، یعنی همان سال به شهادت رسیدن امام حسن عسکری(ع)، رحلت کرد. ابو علی بیهقی بر پیکر پاکش نماز گزارد و جسد مطهرش را در محل حرم فعلی اش در نیشابور به خاک سپرندند (طوسی، بی‌تا، ص ۱۲۸).

۲. ارتباط با ائمه(ع)

در مورد اینکه فضل بن شاذان محضر امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) را درک نموده هیچ تردیدی نیست (طوسی، بی‌تا، ص ۱۵۵)؛ همچنین علمای رحال بر این عقیده‌اند که وی محضر مقدس امام جواد(ع) را نیز درک کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۰۳) (علامه حلی، ۱۳۲۴، ص ۱۲۳).

تنها در ک محضر امام هشتم(ع) است که با شک و تردید تلقی شده و برخی از رجالیون آن را در هاله‌ای از ابهام بیان کرده‌اند. (همان، ص ۲۷۰) اما در حقیقت تردید در این زمینه بی‌مورد است زیرا: اولاً، فضل کتاب مستقلی به نام «علل» دارد که همه مطالب آن را مستقیماً از امام رضا(ع) روایت کرده است (خوبی، بی‌تا، ص ۷۱۳-۸۱۳) و متن کامل و سند این کتاب را شیخ صدوق در عيون اخیار الرضا(ع) و علل الشرایع آورده است (صدقو، ۱۳۱۱، ص ۹۹۱) ثانیاً، بعضی از علماء بر اینکه فضل، امام رضا(ع) را در ک نموده تصریح کرده‌اند (صدر، بی‌تا، ص ۷۷۳) (اردبیلی، بی‌تا، ص ۵).

با توجه به این تأییدات بر شخصیت فضل، هنگامی که به کتب شیعه نگاهی می‌اندازیم، متوجه می‌شویم که در تمام آنها اعم از رجال، حدیث، تفسیر، کلام، فقه و اصول در مقام جرح و تعديل و نفی و اثبات، به قول فضل توجّهی بسرا دارند و سخنان وی را بدون دغدغه و تزلزل می‌پذیرند؛ و این زبان حالی است که فصیح‌تر از زبان قال، فضل را از اکابر این طایفه و اعاظم ایشان معرفی می‌کند؛ به‌طوری که در اثبات عظمت او حاجتی به هیچ نوع دلیل و برهان نیست.

ما در اینجا به دو مورد از این ارتباط اشاره می‌کنیم.

۱۰.۲ امام هادی(ع)

طوسی در رجال ابن شاذان را در شمار اصحاب امام هادی(ع) (امامت: ۲۲۰-۲۵۴ق) آورده است. با توجه به حضور ابن شاذان در عراق در ربع اول سده ۳ق، احتمال روایت مستقیم او از این دو امام وجود دارد، اما اینکه در آثار ابن بابویه به احادیثی بر می‌خوریم که حاکی از استماع مستقیم ابن شاذان از امام رضا(ع) است و گاهی تصریح شده که این استماع در زمانی نسبتاً طولانی انجام گرفته، امری غریب است (بن شاذان، ۱۴۰۹، ص ۶۲). در زمان امام حسن عسکری(ع) (۲۵۴-۲۶۰ق) ابن شاذان یکی از معتبرترین عالمان امامی خراسان به شمار می‌رفت و کسی از ارتباط دورادر او با آن حضرت خبر داده است.

۲۰.۲ امام حسن عسکری(ع)

در مورد رابطه او با امام حسن عسکری(ع) روایات بر دو دسته است: در یک دسته سخنانی از آن حضرت در عتاب و سرزنش وی وارد شده (بن شهرآشوب، بی‌تا، ص ۴۸۰) و در برخی ترحم امام(ع) نسبت به وی و مدح او دیده می‌شود (استربادی، ۱۴۰۷، ص ۱۹۲).

با هم اگر درمورد ارتباط فضل بن شاذان با ائمه‌ی هم‌عصرش نیز تأمّلی داشته باشیم به چیزی جز تأیید و تصدیق ایشان درمورد فضل بر نمی‌خوریم و این خود مدرک بزرگی برای عظمت شان این متکلم بزرگ است. در اینجا به چند نمونه از این تأییدات اشاره می‌کنیم:

الف) پیامبران و ائمه‌ی معصومین(ع) برای انسان‌ها به اندازه‌ی فهم و درکشان، از معارف و حقایق پرده برمی‌دارند. روایت شیخ صدوق از فضل بن شاذان که همان کتاب «العلل» فضل می‌باشد، بیانگر قوت فهم و حذاقت اوست که حضرت رضا(ع) وی را لایق دانسته و فلسفه‌ی بسیاری از احکام را از سرتاسر فقه برای او بیان کرده‌اند.

ب) طبق نقل کشی از محمد بن حسین هروی، هنگامی که امام حسن عسکری(ع) یکی از تأییفات فضل را مشاهده کردند، بر او رحمت فرستاده و فرمودند: من به اهل خراسان به خاطر جایگاه فضل بن شاذان و بودن وی در میان آنها غبطه می‌خورم (طوسی، بی‌تا، ص ۲۰۸) با توجه به اینکه این جمله از امام معصوم نقل شده است و معصوم هرگز در تعییر خود مبالغه نمی‌کند، جلالت قدر و شخصیت بسیار والای فضل بن شاذان روشن می‌گردد.

ج) بر اساس نقل کشی، شخصی بهنام بورق بوشنجانی کتاب «یوم و لیله» از فضل بن شاذان را همراه خود به سامراء برد و آن را به حضور امام حسن عسکری(ع) رساند؛ امام بعد از دیدن آن فرمودند: «هذا صحیح ینبغی أن يعمل به» (همان، ص ۱۱۸).

د) در برابر همه‌ی عنایاتی که از جانب امام عسکری(ع) شامل حال فضل می‌شد، حسودان بر او حسد ورزیدند و از زبان ائمه‌(ع) سخنانی شایع کردند تا شأن و مقام او را زائل کنند (خوئی، بی‌تا، ص ۶۱۳)؛ اما این گفتارهای واهی در محضر امام(ع) مطرح شد و ایشان بر همه‌ی آنها خط بطلان کشیده و فرمودند: «نعم، کذبوا علیه، رحم الله الفضل، رحم الله الفضل، رحم الله الفضل» (همان، ص ۶۱۴).

۳. جایگاه علمی

فضل بن شاذان در روزگاری می‌زیست که فرقه‌های گوناگون از سویی و سختگیری خلفای عباسی از سوی دیگر، فشارهای زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کرد. در عهد فضل، نیشابور پایگاه محدثان بسیار نیرومندی بود و علم حدیث در آن سامان به اوج شکوفایی خود رسیده بود؛ تا جایی که طبق نوشته‌ی رجالیون چندین هزار محدث در نیشابور حضور داشتند. (خاقانی، ۱۴۰۴، ص ۹۴۳) در چنین محیط مترقی و پیشرفته‌ای، تبرز فوق العاده‌ی فضل بن شاذان حاکی از عظمت مقام علمی آن بزرگوار است..

جایگاه علمی فضل بسیار روشن و مبرهن بوده و توصیفات کتب رجالی متعدد در مورد وی مؤید این مطلب است. به عنوان مثال، شیخ در فهرست خود او را فقیه و متكلّمی جلیل القدر معرفی می‌کند (طوسی، بی‌تا، ص ۴۲۱) و نجاشی در رجال خود او را چنین می‌ستاند: «فضل بن شاذان بن خلیل...کان ثقة، احمد اصحابنا الفقهاء والمتكلّمين و له جلاله في هذه الطائفه و هو في قدره اشهر من ان نصفه.» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۷۰۳) علامه حلی و ابن داود نیز وی را ثقة، جلیل القدر و عظیم الشأن معرفی کرده‌اند (علامه حلی، ۱۱۴۱ق، ص ۳۳۱).

در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم.

۱۰.۳. فقه

ابن شاذان به عنوان یک فقیه نیز شناخته می‌شد (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ص ۲۰۸) و محقق حلی او را در زمرة فقیهان درجه اول امامیه شمرده است، با این‌همه اطلاعات باقی مانده از فقه او اندک است. بخشی از فقه ابن شاذان که مخالفت بازی با نظرات مشهور امامیه ندارد، در کتاب العلل او قابل دسترسی است ولی این کتاب تنها مباحث مربوط به عبادات را شامل می‌شود.

چنانکه از تلویح ابن بابویه و تصريح سید مرتضی بر می‌آید، ابن شاذان به حجیت قیاس مستنبط العلل قائل بوده است و برخورد علت گرایانه او با احکام شرعی در سراسر العلل نیز مؤیدی بر این امر است.

۲۰.۴. حدیث

ابن شاذان به عنوان یک راوی در سلسله اسناد بسیاری از احادیث امامیه قرا گرفته، و نجاشی به توثیق او تصريح کرده است و شیخ صدوq در مواضع بسیاری به نظرات و جرح و تعديل‌های او درباره محدثان استناد جسته است.

۴. عقاید

بر پایه اطلاعات اندکی که در دست است، اساس تعالیم کلامی ابن شاذان، پس از شهادتین، اقرار به حجت خداوند و اقرار به ماجاء من عند الله است (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۱۹۷). او به اساس رجعت قائل بود (علامه حلی، ۱۳۲۴، ص ۳۶۲) و در مسئله‌ای چون ازدواج عمر با ام کلثوم دختر امام علی(ع) معتقد بود که آن ام کلثوم دیگری بوده است (کلینی، ۱۳۷۷، ص ۸۶).

۴.۱. اعتقاد به امامت

کلیات عقیده او در باب امامت با عقاید امامیه تطابق کامل دارد. زیرا او استحقاق امامت را به نص می‌داند و امام را واجب الاطاعه می‌شمرد (طوسی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۶) و این را که در زمان واحد بیش از یک امام بر روی زمین باشد، ناممکن می‌داند (محقق حلی، ۱۳۱۸، ص ۹۵).

با این‌همه گفته‌اند که او در برخی مسائل امامت نظرات ویژه‌ای داشت. وی با این عقیده که امامان به بواطن امور آگاهند و علم الهی لاینقطع به ایشان می‌رسد، موافق نبود و معتقد بود پیامبر(ص) دین را به طور کامل آورده و امامان پس از او علم خود را از سرچشم پیامبر(ص) فراگرفته‌اند (قلمی، ۱۳۶۱، ص ۸۶).

گفته شده ابن شاذان وصی ابراهیم(ع) را برتر از وصی پیامبر(ص) می‌دانست و این به مفهوم تفضیل انبیا بر ائمه است، (برقی، ۱۳۴۲، ص ۷۴) ولی یکی از هواداران معاصرش این سخن را اتهامی به وی دانسته است (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱).

۴.۲. اثبات امامت علی(ع)

او در کتاب العلل و در مناظراتی که از وی نقل شده، (ابن شاذان، ۱۴۰۹، ص ۱۹۳) ادله خود بر اثبات امامت حضرت علی(ع) و نفی امامت شیخین و برخی دیگر از مسائل امامت را بیان کرده است.

۴.۳. اقرار به "ما جاء من عند الله"

اقرار به «ما جاء من عند الله» در کلام ابن شاذان از اعتبار خاصی برخوردار است. به عنوان مثال براساس روایت کشی او آیات مربوط به استوای بر عرش را در مورد خداوند به همان معنای ظاهری آن گرفته و به نوعی تجسيم قائل شده است؛ در عین حال صفات خداوند را برخلاف مفهوم عادی آن در مورد انسان‌ها دانسته و بر اینکه هیچ یک از مخلوقات با خداوند شباختی ندارند، تأکید کرده است (فیض کاشانی، ۱۳۴۹، ۱۴۲).

البته می‌توان در درک دقیق روایات سخن ابن شاذان تردید کرد، ولی اساس انتساب اینگونه مطالب را به وی نباید کاملاً مردود شمرد، به خصوص اینکه ابن شاذان خود را خلف هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن و سکاکی خوانده است، (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ص ۲۰۴) بلکه باید در درک معنای تجسيم در عقیده او و اسلامش دققت به خرج داد (طوسی، ۱۳۸۰، ۱۱۲). به طور کلی عقیده ابن شاذان در باب صفات الهی، آنگونه که نقل شده است، قرابت زیادی به عقاید سلفیان اهل سنت دارد.

۴.۴. رابطه با مذاهب دیگر امامیه

او در عراق با مشایخ فطحی و واقفیه رابطه نزدیکی داشته است. وی در مجالس مناظره ابن فضال، بزرگ فطحیان، شرکت می‌جست و مورد علاقه واخر او بود (ابن باویه، ۱۳۹۰، ۱۳۷).

در میان مشایخ او برخی دیگر از فطحیان چون علی بن اسباط دیده می‌شود (سید مرتضی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۷). از مشایخ واقفی او نیز سیف بن عمیره، عثمان بن عیسی، عبدالله بن قاسم حضرمی و عبدالله بن جبله را می‌توان یاد کرد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸).

۵. آثار

آثار او را بالغ بر ۱۸۰ عنوان دانسته‌اند که برخی از آنها را که در کلام و فقه است، نجاشی در رجال و طوسی در الفهرست آورده‌اند، از جمله:

- اثبات الرجعه، که منتخبی از آن به کوشش باسم موسوی در مجله تراشنا به چاپ رسیده است؛
- الطلاق، که کلینی قطعاتی از آن را نقل کرده که ظاهراً برگرفته از همین کتاب است؛
- علل الشرایع، در علل مربوط به عبادات است که نجاشی و طوسی آن را ذکر کرده‌اند؛

- الفرائض الكبير (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۷)
- الفرائض الاوسط(نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۲۰۷)
- الفرائض الصغير(همان، ص ۲۰۸)
- مسائل البلدان، که نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۷) بدان اشاره کرده و طوسی دربرخی از آثارش بخش‌هایی از آن را نقل کرده است (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۳۱).
- يوم و ليله، که گفته شده به نظر امام حسن عسکري(ع) رسیده و مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است (بحـالـعـلـومـ، ۱۳۶۳، ص ۱۴۸).

شایان ذکر است که کتابی با عنوان الایضاح به کوشش محدث ارموی در تهران در ۱۳۵۱ش به نام فضل بن شاذان (به عنوان مؤلف) منتشر شده و سپس در بیروت در ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م تجدید چاپ شده است. هیچ یک از متقدمان این کتاب را به ابن شاذان نسبت نداده‌اند و این نسبت نخستین بار در سده ۱۱ق در آثار فیض کاشانی به چشم می‌خورد (فیض کاشانی، ۱۳۴۹، ص ۱۹۸).

مؤلف در الایضاح به نقض مخالفان امامیه به طور اعم و معتزله، جهمیه، مرجئه، خوارج و اصحاب حدیث به طور اخص پرداخته است.

جلال الدین محدث در مقدمه الایضاح سعی کرده با ذکر شواهدی صحت انتساب کتاب را به ابن شاذان ثابت کند.

علاوه بر کتاب‌های ذکر شده برای فضل، در «فهرست ابن نديم» به نام سه کتاب دیگر بر می‌خوریم که به فضل بن شاذان نسبت داده شده‌اند و عبارتند از: «التفسیر»، «كتاب السنن في الفقه» و «القراءات». (ابن نديم، ۱۳۸۱، ص ۷۸۲) در مورد این سه کتاب و نسبت دادن آنها به فضل بن شاذان نیشابوری میان رجایان متأخر اختلاف نظر وجود دارد.

۶. ردیه‌ها

فهرستی که نجاشی و طوسی از آثار ابن شاذان ارائه می‌کنند، نشان می‌دهد که او با گروه‌های فکری گوناگونی درگیر بوده و بر آنان ردیه‌ها نوشته است. از آن جمله می‌توان از معتزله، معطله، مرجئه، خوارج و غالیان شیعه یاد کرد. در این میان ردیه او بر کرامیه که مؤسس آن در ۲۵۵ق وفات یافته، به خصوص ردیه او بر قرامطه که تنها اندکی پیش از ۲۶۴ق پای گرفته‌اند، نیازمند تأمل و مطالعه است.

۷. تعبدزادائی

شاید بشود گفت: اولین نتیجه بارز برخورد مسلمانان با علوم بیگانه، خروج آنها از فطرت نخستین و ایمان ساده خود بود تا آنجا که گروه کثیری چون به دیده عقل در آنچه بی‌چون و چرا پذیرفته بودند، نگریستند، در آنها تردید کردند. و در واقع، تعقل جای تعبد را گرفت. به کار گرفتن عقل در امور دین در پاره‌ای موارد موجب الحاد و زندقه و انکار نبوت و

معجزات گردید. بنابراین می‌شود گفت: نهضت ترجمه با همه خدماتی که برای جهان اسلام همراه داشت. باعث ظهور و بروز بسیاری از فرقه‌های انحرافی گشت و در این راستا رسالت کسانی که به فکر حفظ اسلام اصیل بودند دو چندان گشت در این حال و هوا بود که «فضل بن شاذان» قدم به عرصه یک مبارزه فکری نهاد و در همین رابطه با فرقه‌های انحرافی بی‌شماری دست و پنجه نرم کرد. فرقه‌هایی نظیر: ثنویه، حشویه، کرامیه، اهل تعطیل، قرامطه و غیر اینها. فرقه‌هایی بودند که بیشترین ظهور و بروز را داشتند (زارع، ۱۳۹۰، ۲۰۰) بطور مثال در مورد «حشویه» می‌توان گفت: آنان متأثر از عقاید «برهمائیان» بودند که اصل نبوت را انکار کرده و وجود عقل را برای هدایت، کافی می‌دانستند. حشویه در مورد امامت و عدم لزوم آن این چنین عقیده دارند که: «پیامبر برای خود جانشینی قرار نداده و امور مسلمین را به خود ایشان واگذار کرده است». و یا اینکه در مسئله ارتکاب معصیت تحت تاثیر تعلیمات یهود و نصاری قرار گرفته و ارتکاب کبائر را بر انبیاء جایز دانستند. ارزش کار فضل بن شاذان هنگامی مشخص می‌شود که می‌بینیم عمدۀ تالیفات او در رد این فرق انحرافی است. که این امر می‌تواند برای اندیشمندان دینی ما مخصوصاً حوزویان عزیز به عنوان یک سرمشق باشد زیرا در این برده از زمان نیز گروههای انحرافی به شدت به ارکان نظام اسلامی حمله‌ور شده و اگر مدافعان نظام به خود نیایند قطعاً فردا خیلی دیر خواهد بود. تعداد تالیفات فضل در رد گروههای انحرافی، بالغ بر ۱۸۰ اثر است که برخی از آنها عبارتند از: ۱- الرد علی اهل التعطیل ۲- الرد علی الثنویه ۳- الرد علی الحشویه ۴- کتاب الوعید ۵- الرد علی القرامطه ۶- کتاب الاستطاعه ۷- بیان اصل الضلاله ۸- الخصال فی الامامه ۹- الاعراض و الجواهر ۱۰- مسائل البلدان ۱۱- الملائم ۱۲- المعيار و الموازنہ ۱۳- محبة السلام ۱۴- الایضاح «شیخ مغید» در کتاب کلامی «الفصول المختاره» مطالب زیادی را در موضوعات مختلف از ابن شاذان نقل کرده است که نشان از حدت ذهن و ممارست و احاطه علمی او بر مسائل دارد. چیزی که باعث شهرت فضل گردید تالیفات او در موضوعاتی بود که جامعه اسلامی آن روز با آنها دست به گریبان بود (همان، ص ۲۰۱).

۸. فضل و علم تفسیر

در بحث‌های علوم قرآنی، موضوعات مختلفی طرح و بحث شده است که در کتب تفسیر و علوم قرآنی به طور تفصیل آمده است. یکی از این موضوعات که در جای خود قابل تامیل است مسئله ترتیب سور قرآنی است که آیا ترتیب قرآن موجود همان ترتیب صدر اسلام است و یا تغییراتی در آن رخ داده است؟ در این باب، ابن ندیم از فضل مطالی را نقل می‌کند، فضل ابن شاذان می‌گوید: «یکی از اصحاب ما که مورد اعتماد است می‌گفت: ترتیب سوره‌های قرآن را به قرائت «ابی بن کعب» در بصره در دهکده‌ای به نام «قریۃ الانصار» در دو فرسنگی بصره نزد «محمد بن عبد الملک انصاری» یافتم، او قرآنی به ما نشان داده و گفت: این قرآن متعلق به پدر من بوده و ما از پدران خود آن را روایت می‌نمائیم. من در آن قرآن نظر کردم و اوایل و اواخر سوره‌ها و عدد آیات آن را درآوردم: اول آن سوره بقره و آخر آن سوره ناس بود (همان، ص ۴).

۹. فضل و مباحثات کلامی

شاید بشود گفت: تمام حیات علمی فضل را مباحث کلامی تشکیل داده است. برای نمونه به از آنها، اشاره می‌گردد: از فضل سؤال شد: چه دلیلی بر امامت علی بن ابی طالب وجود دارد؟ فضل پاسخ داد: دلایل زیادی بر این امر وجود دارد. یکی از آنها، آیه قرآن است که فرمود: (یا ایها الذين امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم) به این توضیح که خداوند ما را به اطاعت «اولی الامر» دعوت کرده، همچنان که ما را به اطاعت از خود و رسولش امر کرده است. بنا بر این، همچنان که بر ما شناخت خدا و رسول واجب است شناخت «اولی الامر» نیز واجب می‌گردد. از طرف دیگر، همه اجمعان دارند که این آیه در شان علی بن ابی طالب است ولی در معنای «اولی الامر» اختلاف کرده‌اند. بعضی گفته‌اند: منظور امیران و فرماندهان جنگ می‌باشد. بعضی گفته‌اند: منظور، علما هستند. و برخی منظور از اولی الامر را آمرین به معروف می‌دانند. حال ما می‌پرسیم: بر فرض که همه اینها درست باشد، آیا علی (ع) از فرماندهان جنگ نبود؟ قطعاً می‌گویند: بوده است. به دسته دوم می‌گوییم: آیا علی (ع) از علما نبود؟ باز جواب مثبت است. به دسته سوم می‌گوییم: آیا علی (ع) آمر به معروف و ناهی از منکر نبود؟ این را نیز قبول دارند. نتیجه این که با اقرار طرف مقابل، این اتفاق و اجماع به دست می‌آید که مقصود از آیه قرآن، قطعاً علی (ع) است (زارع، ۱۳۹۰، ص ۲۰۷).

۱۰. فضل و کتاب الایضاح

مهمترین کتابی که در این زمان از ابن شاذان در دسترس می‌باشد کتاب گران‌سنگ «الایضاح» است که یکی از مهمترین کتب کلامی شیعه است. در این کتاب، مباحث کلامی بیشماری که در آن عصر مورد ابتلا بوده بحث‌شده است. کافی است با نگاهی تیزبینانه به مطالب کتاب الایضاح، دریابیم که بعضی از انحرافات دینی زمان ما نیز عیناً همان قضایایی است که در آن زمان اتفاق افتاده است و به راستی که تاریخ تکرار شده است. هر چند پوسته، رنگ و لعاب مطالب تغییر یافته اما باطن و مغز انحراف، یکی است (همان، ص ۲۱۰).

از باب نمونه، به چند مورد بسنده می‌کنیم:

الف. پیامبر(ص) و دغدغه جانشینی بعد از خود

فضل در کتاب الایضاح حدیث مشهور «حدائق بهشتی» را ذکر کرده و به جریانات بعد از رحلت پیامبر(ص) اشاره می‌کند که روزی پیامبر اکرم(ص) به همراه حضرت علی (ع) از کنار باغی می‌گذشتند. حضرت علی (ع) اظهار داشتند: عجب باغی! زیبایی باغ، مورد تعجب آن حضرت واقع شد. پیامبر(ص) به علی (ع) فرمود: باغ تو در بهشت از اینها، زیباتر است. آنگاه سر مبارکش را بر روی شانه حضرت علی (ع) نهاد و گردست. وقتی حضرت علی (ع) علت گریه را سؤال کردند فرمود: «ضغان فی صدور اقوام لا یبدونها لک الا من بعدی احقاد بدر و ترااث احد» یعنی: ای علی! کینه‌های بدر و احد را در دل گروههایی می‌بینم که آنها را بر تو ظاهر نمی‌کنند مگر بعد از من. سپس فرمود: پدرم فدای تو، که تنها و شهید خواهی شد. آری، اگر آن روز کینه‌های بدر و احد رخ می‌نمایاند و علی را به جرم اسلام‌خواهی و دفاع از دین، محاکمه می‌کنند و

سرانجام او را به همین جرم به شهادت می‌رسانند، امروز نیز بعد از ۲۰ سال از انقلاب اسلامی و بعد از ۱۰ سال از رحلت ابر مرد تاریخ یعنی خمینی کبیر(ره) عقده‌های سرکوبی منافقین و گروهکهای منحرف در سالهای نخست انقلاب، سر باز می‌کند و سران نفاق با حالتی طلبکارانه از خوشگذرانیهای فرنگ، برگشته و اساس انقلاب را زیر سؤال می‌برند و از آن بدتر، افرادی در مناصب کلیدی کشور قرار می‌گیرند که سابقه خوشی نداشته و به بدھکاران نظام، چراغ سبز نشان می‌دهند. مخالفتها بی‌که امروز در قالبهای مختلف با اصل «ولایت فقیه» می‌شود اگر در زمان امام (ره) یک هزارم آن مطرح می‌گشت با مشت آهنین امام مواجه بود. همانگونه که برخی از این افراد در مصاحبه‌هایشان گفته‌اند: ما در زمان امام جرات نمی‌کردیم آنچه را در دل داریم، بگوییم (همان، ص ۲۱۷).

ب. خطر تکیه بر یهود و نصاری و ایجاد رابطه با آنها

فضل در بخش دیگری از کتاب الایضاح با ذکر مطلبی از «عبد الله بن عمر» می‌گوید: روزی شخصی از علمای یهود به نام «یوسف» نزد ابن عمر نشسته بود. فردی آمد و از ابن عمر مسئله‌ای را پرسید. ابن عمر به سائل گفت: از یوسف بپرس. زیرا او «اهل ذکر» است و قرآن فرموده است: (اگر مطلبی را نمی‌دانید از اهل ذکر سؤال کنید). فضل می‌گوید: شما گمان می‌کنید «أهل ذکر» یهود و نصاری هستند؟ و حال آن که اگر ما از آنها در مورد دین خود سؤال کنیم آنها با عقاید خویش به پرسش ما پاسخ خواهند گفت و ما را منحرف خواهند کرد. در مورد ایجاد روابط با یهود و نصاری، می‌گوید: روزی عمر بن الخطاب نزد پیامبر اکرم(ص) آمد، در حالی که کتابی را در دست داشت که در آن، تورات به عربی نوشته شده بود. عمر آن را برای پیامبر(ص) قرائت کرد. پیامبر به محض شنیدن تورات غضبناک گردید به صورتی که آثار غصب از چهره‌اش نمایان شد. سپس بر بالای منبر رفته فرمودند: «ای مردم! هیچگاه چیزی را از اهل کتاب سؤال نکنید زیرا آنان شما را هدایت نخواهند کرد. اگر اهل هدایت بودند خود به ضلالت نمی‌رفتند.» (همان، ص ۲۱۹).

نتیجه‌گیری

ابو حمد فضل بن شاذان بن خلیل از دی نیشابوری از چهره‌های درخشان تشیع و از علمای بر جسته فقه، کلام و دیگر رشته‌های متنوع علوم اسلامی است و بر جسته ترین جنبه علمی شخصیت وی کلام اوست، چنانکه طوسی از وی به عنوان متکلمی جلیل القدر یاد کرده است.

چنین به نظر می‌رسد که فضل تا اواسط قرن سوم هجری، حیات داشته و افتخار شاگردی و مصاحبت چهار نور پاک از امامان شیعه را برای خود ثبت کرده است؛ او از اصحاب و شاگردان امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری(ع) می‌باشد. در روایتی آمده است: «که امام حسن عسکری(ع) سه بار بر او رحمت فرستاد و او را به نیکی یاد کردند.» فضل بن شاذان دانش را از امام علی بن موسی الرضا(ع) فرا گرفت. نزد او جایگاه و مقام ویژه‌ای داشت.

با دقت و بررسی در زندگی عالمان و فقیهان مسلمان به این نتیجه می‌رسیم که وجود آنها در آن برهه و عصر باعث تغییرات و حرکات مفید و سازنده‌ای بوده است و همچنین می‌توانیم به اسرار پیروزی‌ها و شکست‌های جامعه‌های پیشین دست بیابیم و از آن در جهت اصلاح حرکت‌های اجتماعی زمان و جامعه خودمان استفاده نماییم.

فهرست منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد. (۱۳۸۷). *التوحید*. به کوشش هاشم حسینی. تهران: اندیشه.
۲. ابن بابویه، محمد. (۱۳۹۰). *عيون الاخبار*. نجف: کتابخانه مرتضویه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۷۹). *شرح نهج البلاغة*. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دارالمکتب.
۴. ابن شاذان، فضل. (۱۴۰۹). *مختصر اثبات الرجعه*. به کوشش باسم موسوی. قم: چاپخانه علمیه.
۵. ابن شهرآشوب، محمد بن علی. (بی تا). *معالم العلماء*. قم: بی نا.
۶. ابن شهرآشوب، محمد. (۱۳۷۸). *المناقب*. قم: چاپخانه علمیه.
۷. ابن نديم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). *الفهرست لابن النديم*. تحقيق: رضا تجدد. تهران: انتشارات اساطیر اردبیلی، ملا محمد. (بی تا). *جامع الرواۃ و ازاحة الإشتباہات عن الطرق و الاستاد*. بی جا: مکتبة المحمدیه استرابادی، شرف الدین. (۱۴۰۷). *تأویل الایات*. قم: دارالذخیر.
۸. بحرالعلوم، محمد مهدی. (۱۳۶۳). *الرجال*. تهران: اندیشه.
۹. برقی، احمد. (۱۳۴۲). *الرجال*. تهران: اساطیر.
۱۰. تهرانی، آقا بزرگ. (بی تا). *الذریعه الى تصنیف الشیعه*. (چاپ سوم). بیروت: دار الأضواء.
۱۱. خوئی، ابو القاسم. (بی تا). *معجم رجال الحديث*. بی جا بی نا.
۱۲. دوانتی، علی. (بی تا). *مفاخر اسلام*. بی جا: بنیاد فرهنگی امام رضا(ع).
۱۳. زارع، زکیه، (۱۳۹۰). *(فضل بن شاذان نیشابوری در آینه تمییز مشترکات رجالی)*. ماهنامه کوثر. شماره ۲۹۵.
۱۴. سید مرتضی، علی. (۱۳۰۱). *الشافی*. ایران: بی نا.
۱۵. صدر، سید حسن؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام؛ تهران، منشورات الاعلمی، بی تا.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن حسین. (۱۳۱۱). *علل الشرایع*. بی جا. بی نا.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*. تصحیح و تعلیق: میرداماد استرآبادی. تحقیق: سید مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل البيت(ع).
۱۸. طوسی، محمد. (۱۳۴۸). *اختیار معرفه الرجال*. به کوشش حسن مصطفوی. مشهد: بی نا.
۱۹. طوسی، محمد، الرجال. (۱۳۸۰). به کوشش محمدصادق بحرالعلوم. نجف: کتابخانه مرتضویه.
۲۰. طوسی، محمد. (۱۳۸۵). *الفهرست*. به کوشش محمدصادق بحرالعلوم، نجف: کتابخانه مرتضویه.

۲۳. علامه حلی، حسن. (۱۳۲۴). مختلف الشیعه، قم : چاپخانه علمیه.
۲۴. فیض کاشانی، محمد محسن . (۱۳۴۹). الاصول الاصلیه. به کوشش جلال الدین محدث، تهران: بی نا.
۲۵. قمی، حسن. (۱۳۶۱). تاریخ قم . ترجمه حسن بن علی قمی . به کوشش جلال الدین تهرانی. تهران: اندیشه.
۲۶. کلینی، محمد. (۱۳۷۷). الکافی، تهران: اندیشه.
۲۷. محقق حلی، جعفر. (۱۳۱۸) . المعتربر. ایران: بی نا.
۲۸. نجاشی، احمد. (۱۴۰۷) .الرجال. به کوشش موسی زنجانی. قم : چاپخانه علمیه.